هایلایت کتاب تاریخ معاصر ایران
تهیه کننده بهرام شفیعی
دبیر تاریخ آبپخش استان بوشهر

درس نهم

1- ویژگی های حکومت رضا شاه را نام ببرید؟
وابستگی - خودکامگی و حکومت فردی - ترویج ملی گرایی افراطی - نظامی گری - تخریب ارزش های دینی

ویژگی‌های حکومت رضاشاه

2- چرا آغاز حکومت پهلوی نقطه ی عطفی در تاریخ فرایند وابستگی ایران محسوب می شود؟

در این درس به‌طور فشرده با شاخصه‌های حکومت و سیاست‌های فرهنگی و مذهبی دورهٔ پهلوی اوّل آشنا می‌شوید. هدف از طرح این مباحث، آشنایی بیشتر شما با ابعاد فرهنگی و اجتماعی دوران حکومت رضاشاه است.

الف ــ وابستگی : آغاز حکومت پهلوی نقطهٔ عطفی در تاریخ فرایند وابستگی ایران محسوب می‌شود؛ زیرا تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه، پیدایش سلسله‌های پادشاهی و حاکمان ایرانی عموماً در چارچوب روابط قومی و یا اشرافیت داخلی شکل می‌گرفت. اگرچه برخی از پادشاهان ایرانی مورد حمایت قدرت‌های عصر خود بودند ولی خاستگاه و منشأ روی کار آمدن آنها، بیگانگان نبودند. ظهور سلسلهٔ پهلوی و روی کار آمدن رضاشاه از همان ابتدا در امتداد استقرار نظام سلطهٔ جهانی و استعمار انگلستان شکل گرفت.

3- ویژگی شیوه حکومتی رضاشاه را بنویسید؟

ب ــ خودکامگی و حکومت فردی : حکومت رضاشاه، حکومتی فردی و استبدادی بود. با وجود اصل تفکیک قوا در قانون اساسی، رضاشاه در همهٔ کارها و ارکان مملکت دخالت می‌کرد. نمایندگان مجلس شورای ملّی براساس فهرستی که توسط فرماندار، فرمانده لشکر و رئیس شهربانی حوزهٔ انتخابیه تهیّه و شخص رضاشاه آن را تأیید و به وزارت کشور ابلاغ می‌کرد، انتخاب می‌شدند.[1]

4- شیوه ی اداره کشور در دوره رضاشاه را تحلیل نمایید

بنابراین هرچند که رضاشاه حکومت پارلمانی و نهاد مشروطه را از میان نبرد، امّا روش حکومت او با حکومت پادشاهان مستبد قبل از مشروطه تفاوتی نداشت.[2]

علاوه‌بر مجلس، قوای قضائیه (عدلیه) و مجریه نیز فاقد استقلال بودند. دستگاه‌های دولتی و وزارت‌خانه‌ها، قدرت هیچ‌گونه تصمیم‌گیری نداشتند و برخی به سبب شناختی که از روحیهٔ نظامی و

---

۱. قاضی، *علل سقوط رضاشاه*، ص ۱۵۳؛ *خاطرات سردار اسعد بختیاری*، ص ۲۲۳.

۲. کاتوزیان، *اقتصاد سیاسی ایران*، ص ۱۶۹.

5- شیوه ی اداره کشور در دوره رضاشاه را تحلیل نمایید
6- شاخصه های ملی گرایی افراطی دوران رضاشاه را بنویسید؟

استبداد رأی رضا شاه داشتند، حتّی قادر به اظهارنظر نبودند.[1]

ج ــ ترویج ملّی‌گرایی افراطی: در دوران حکومت رضاشاه ملّی‌گرایی افراطی با هدف به حاشیه راندن اسلام شدت گرفت.

کارگزاران فرهنگی حکومت رضاشاه، به تقلید از غرب «جدایی دین از سیاست»[2] را از لوازم ملیت‌گرایی قلمداد می‌کردند. آنها بدون داشتن درک صحیح از شرایط تاریخی ایران، همبستگی میان علایق ملّی و دینی را که در ایجاد وحدت و اقتدار کشور و هویت ملّی جامعه ایرانی نقش مؤثری داشت، نادیده گرفتند.



رضا شاه

بیشتر بدانید

مریت هاکس نوشته است: روحیهٔ جدید ملّی‌گرایی در عصر رضاشاه ردپایی از فاشیسم[3] به همراه داشت، زیرا بدون توجه به روابط و ارزش‌های تاریخی، تنها به گذشته [دور] می‌نگرد.[4]

یکی دیگر از شاخصه‌های ملیّت‌گرایی افراطی دوران رضاشاه، قومیت ستیزی و نادیده گرفتن هویت اقوام ایرانی مانند ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن بود. اعمال تبعیض قومی و توسل به خشونت و نظامی‌گری برای از بین بردن گویش‌ها و لهجه‌های محلی، آداب و رسوم و لباس‌های زیبای محلی که تقویت‌کننده هویت ملّی ایرانیان است با ادعاهای رضا شاه و کارگزاران حکومتی او ناسازگار بود[5]

---

۱. هدایت، همان، ص ۴۰۲.

۲. سکولاریسم

۳. فاشیسم: نام جنبشی که در ۱۹۱۹م. به رهبری موسولینی در ایتالیا به راه افتاد. فاشیسم بر دیکتاتوری و زور تأکید بسیار دارد. موسولینی بر احیای قدرت امپراتوری روم باستان در ایتالیا تکیه می‌کرد.

۴. هاکس، *ایران، افسانه و واقعیت*، ص ۱۹۴.

۵. استارک، *سفرنامهٔ الموت*، لرستان و ایلام، ص ۱۶.

3-6
که آثار زیان‌باری برجای گذاشت. علاوه بر این، برای تغییر الفبای فارسی به لاتین تلاش‌هایی صورت گرفت. تقی‌زاده که بر این کار اصرار می‌کرد، تغییر خط فارسی را تنها با حمایت و به کارگیری زور به دست رضاشاه ممکن می‌دانست.

در پایان حکومت رضاشاه، ملیت‌گرایی 4-6 با جنبش نژادپرستانهٔ نازی‌های آلمان به رهبری آدلف هیتلر نزدیکی و همبستگی پیدا کرد. رضاشاه به نشریه‌ها دستور داد تا به مقایسهٔ شخصیت او با هیتلر بپردازند و از وی تجلیل کنند.

7- چرا رضاشاه ارتش را رکن اساس حکومت خود قرار داد؟

د ــ نظامی‌گری : 7- رضاشاه به سبب خصلت‌های فردی و روحیهٔ نظامی‌اش، ارتش را رکن و اساس حکومت خود قرار داد. او فرماندهان ارتش را نسبت به سایر مقام‌های دولتی برتر به شمار می‌آورد؛ و برای ایجاد ارتشی نوین، کوشش‌های زیادی انجام داد. امّا ارتشی که او بنیان نهاد تنها 1-8 برای ترساندن و سرکوب مخالفان داخلی، 2-8 چپاول و غارت ایلات و عشایر و 3-8 استحکام پایه‌های حکومت خود شکل گرفته بود و به هیچ وجه ارتشی ملّی و مقتدر نبود تا در برابر نیروهای بیگانه کارایی داشته باشد.

8- اهداف رضاشاه از ایجاد ارتش جدید را بنویسید؟

رفتار رضاشاه با عشایر ایرانی همانند برخوردی بود که بیگانگان در زمان اشغال کشورمان با مردم این سرزمین می‌کردند. او در قیام مسجد گوهرشاد زنان و مردان بیگناه را به خاک و خون کشید.[1]

هـ ــ تضعیف و تخریب ارزش‌های دینی : رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت، برای جلب اعتماد مردم و نزدیکی به علما، با ظاهرسازی می‌کوشید در مراسم عزاداری و مذهبی شرکت کند تا احساسات عمومی را به نفع خود و نقشه‌هایی که در سر می‌پروراند، جلب کند. یکی از مورخان، در این باره نوشته است : در نخستین سال پیروزی کودتا، در مراسم محرم و عزاداری امام‌حسین(ع)، رضاشاه در حالی که گِل بر پیشانی خود می‌مالید و کاه بر سر می‌ریخت، به شعایر مذهبی تظاهر می‌کرد.[2]

9- سیاست مذهبی رضا خان قبل ازحکومت چگونه بود؟

علاوه بر این، رضاشاه در خردادماه ۱۳۰۳ به وزارت معارف دستور داد که بر مطالب مذهبی و شرعی چاپ شده در مطبوعات نظارت و از درج مطالب خلاف شرع، جلوگیری به عمل آید؛ و نیز دستور تعطیلی مشروب فروشی‌ها و قمارخانه‌ها را صادرکرد.[3] او در همان سال عازم عراق شد و ضمن ملاقات با عدّه‌ای از علما و مراجع نجف، خود را حامی اسلام معرفی کرد و قول داد که دومین اصل

---

۱. در این‌باره. ن.ک : عاقلی، *رضاه شاه و قشون متّحدالشکل*، ص ۳۵۹؛ آبراهامیان، همان، ص ۱۹۰.

۲. مستوفی، *شرح زندگانی من*، ج۳، ص ۴۶۱؛ اعظام قدسی، خاطرات من، صص ۴۸ و ۴۹.

۳. مکی، *تاریخ بیست سالهٔ ایران*، ج۳، ص ۳۱؛ اعظام قدسی، همان، ج۲، ص ۳۹.

متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت علما بر مصوبه‌های مجلس را، به اجرا در آورد.[1]

با این همه، تظاهر به دینداری او، مدّت زیادی دوام نیاورد. او، بعد از دستیابی به قدرت مطلقه، به‌تدریج ماهیت ریاکارانهٔ خود را آشکار کرد و هنگامی که به سلطنت رسید، دیگر ضرورتی برای عوام‌فریبی و تظاهر به دینداری، احساس نکرد.

10-1 اوّلین نشانهٔ حملهٔ علنی و آشکار رضاشاه به شعایر و ارزش‌های مذهبی، در نوروز سال ۱۳۰۶ در واقعهٔ اعتراض **آیت اللّه بافقی** به زنان عضو خانوادهٔ سلطنتی که بدون رعایت موازین شرعی وارد حرم مطهّر حضرت معصومه (س) شدند، آشکار شد. به دنبال این اعتراض، رضاشاه به قم رفت و با گستاخی تمام، با چکمه وارد حرم شد و آیت اللّه بافقی را زیر لگد انداخت. پس از آن نیز، دستور تبعید او را صادر کرد.

10-2 رضاشاه با سیاست حذف دین از اجتماع، سعی در محدود کردن روحانیون و کنترل حوزه‌های علوم دینی کرد. او با شعار «اصلاح دین»، کوشید تا ریشهٔ اسلام را برکند. **11-1 جایگزین ساختن قانون‌های غربی به جای قوانین مذهبی؛ 11-2 محدودکردن روحانیان و مراسم مذهبی؛ 11-3 ممنوع کردن برگزاری مراسم سوگواری حضرت امام حسین(ع)؛ 11-4 برپایی «کارناوال»[2]های شادی و رژهٔ دسته‌های موزیک نظامیان در روز عاشورا؛ 11-5 تخریب مدارس و حوزه‌های علمیه؛ 11-6 تغییر کلاه و لباس؛ 11-7 برداشتن حجاب و 11-8 رواج منکرات و کارهای خلاف شرع**، از دیگر برنامه‌های دین ستیزانهٔ رضاشاه بود.

11- برنامه های دین ستیزانه ی رضاشاه را بنویسید؟

بیشتر بدانید

خانم هاکس سیاح اروپایی که در آن زمان از ایران دیدن می‌کرد، در کتاب خود می‌نویسد : «در ایران پدیدهٔ عجیب اسلام دولتی دیده می‌شود. به‌طوری که دولت در ظاهر در فکر تعدیل و شاید اصلاح دین و در واقع در فکر تباه ساختن دین از درون است».[3]

---

۱. برای کسب اطلاع بیشتر از سیاست مذهبی رضاشاه ن.ک. : بهار، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی*، ج۲، ص ۹۳؛ اعظام قدسی، همان، ج۲، صص ۳۹، ۴۸ و ۴۹؛ مکی، *تاریخ بیست ساله*، ج۴، صص ۱۰۷، ۱۳۶ و ۱۳۷ و ج۶، ص ۲۲۸؛ هدایت، همان، ص ۳۸۲ به بعد؛ مستوفی، همان، ج ۲، ص ۲۶۱.

۲. کارناوال : گروهی که با رقص و آواز در روزهای به خصوصی از سال (جشن‌ها) در خیابان‌ها به راه می‌افتند.

۳. هاکس، *ایران افسانه و واقعیت*، ص ۱۹۵.

12- اقدامات ضد دینی رضاشاه، محصول اندیشهٔ خودِ او نبود. جریان هدایت گری که این برنامه ها را به وی القا می کرد، متشکل از کسانی بود که در روی کارآوردن و دستیابی او به قدرت، نقش داشتند.[1] این اقدام ها، به ظاهر تحت عنوان **تجددخواهی** یا **اصلاح مذهبی** صورت می گرفت امّا اسناد تاریخی آشکار می کنند که استعمار نوین، برای از میان برداشتن مظاهر دین و روحانیت که مانع سلطهٔ آنها در ایران بود، به این روش ها متوسل می شد.[2]

بیشتر بدانید



آیت اللّه عبدالکریم حائری یزدی

یکی از اقدام های هوشمندانهٔ مرجعیت شیعه در ایران، تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم در سال ۱۳۰۱ ش پس از شکست عثمانی در جنگ اوّل و اشغال عراق توسط انگلیس بود، که توسط آیت اللّه «حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی» انجام گرفت.

تا قبل از تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم، پایگاه علمی مرجعیت شیعه، عمدتاً در نجف اشرف و دیگر شهرهای مذهبی عراق متمرکز بود. این اقدام ارزشمند و خردمندانه، در عصری که استعمار در صدد اجرای نقشه های ضدّ دینی خود در منطقه بود، پس از عصر صفویان، موجب تقویت ایران به عنوان پایگاه فقه و معارف شیعه شد. علاوه بر آن، زمینه را برای مهاجرت علما و مراجعی که علیه سیاست های استعماری انگلستان مبارزه می کردند، فراهم آورد.

ادامه یافتن این نهضت فرهنگی در سالیان دشوار بعد، حوزهٔ علمیهٔ قم را مبدّل به یکی از بزرگ ترین پایگاه های مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی کرد. تربیت عالمان و روحانیانی چون حضرت امام خمینی، یکی از ثمره های این اقدام بود.[3]

---

۱. برای کسب اطلاع بیشتر ن.ک. : فردوست، همان، ج۲، ص ۱۵۲؛ اعظام قدسی، همان، ج ۲، صص ۶۵۷ــ۶۵۹.

۲. ستیزه جویی استعمار با دین، در آن مقطع زمانی، محدود به ایران نبود. انگلستان با هدف زدودن هویت اسلامی در هندوستان، ترکیه، عراق، عربستان، مصر و سایر کشورهای اسلامی، به تخریب و یا تحقیر مبانی اسلام پرداخته بود. احسان طبری که خود از نظریه پردازان حزب توده بود، ضمن ارائهٔ تحلیلی دربارهٔ سیاست مذهبی جاری در این دوران، اعتراف کرده است که رضاشاه پس از سلطنت، به تدریج روش خود را دگرگون ساخت و سیاستِ از میان بردن نفوذ روحانیان و بسیاری از آداب مذهبی و حرکت به سوی تجدّد و اروپایی گری را دنبال کرد. تمایل رضاشاه به تضعیف روحانیت شیعه، تنها از تمایل خود او برای از میان برداشتن رقیب نشأت نمی گرفت؛ بلکه ناشی از ارادهٔ استعمار طلبانهٔ انگلستان بود که از دوران حوادث تنباکو و فتوای میرزاحسن شیرازی این نیرو را شناخته بود و قصد از میان بردنش را داشت. ن.ک. : طبری، *ایران در دو سدهٔ واپسین*، صص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۳. ن.ک. : شریف رازی، *گنجینه دانشمند*، ج۱، ص ۱۸۷.

13- مخالفان حرکت های ضدمذهبی رضاشاه چه کسانی بودند؟

رفتار خشونت‌آمیز رضاشاه با طلبه‌های علوم دینی و یورش به حوزه‌های علمیه، چهرهٔ واقعی و ماهیّت او را آشکار ساخت، و دیری نپایید که با به شهادت رساندن علمای آگاه و مبارزی چون آیت‌اللّه مدرس و دستگیری و تبعید عالمان بزرگ، پرده از سیاست ضدّدینی خود برداشت.

13- آیت‌اللّه **حاج آقا نوراللّه اصفهانی** در اصفهان، **آیت‌اللّه حاج حسین طباطبایی قمی** در مشهد، **آیت‌اللّه سیّدابوالحسن انگجی و آقامیرزا صادق** در تبریز و ... با حرکت‌های ضدّمذهبی رضاشاه که تخریب هویت ملّی و افزایش نفوذ استعمار را درپی داشت، به مخالفت پرداختند.

14- هدف اصلی تغییرکلاه ولباس در دورهی رضاشاه چه بود؟

تغییر کلاه و لباس

14- تغییر کلاه و لباس، بخشی از برنامهٔ شبیه‌سازی جامعهٔ ایران و همرنگ شدن مردم آن با اروپایی‌ها بود.[1] لباس و پوشاک هر جامعه، به تناسب اعتقادات دینی، فرهنگ، آداب و رسوم ملّی و شرایط اجتماعی و اقلیمی با دیگر جوامع، متفاوت است. اقوام ایرانی، از دیرباز، دارای لباس و پوشش مخصوص به خود بوده‌اند. نوع لباس و پوشش هر ملّت نمایشگر هویت آن مردم است که در کشوری مثل ایران پس از گذر قرن‌ها و هزاره‌ها به تدریج شکل گرفته است. بنابراین محروم کردن اجباری مردم از لباس محلّی و یا پوشش ملّی ضربه زدن به هویّت آن‌هاست.[2]

15- اقدامات رضاشاه برای تغییر کلاه و لباس را بنویسید؟

15- رضاشاه ابتدا با به کارگیری زور، کلاه لبه‌دار موسوم به «کلاه پهلوی» را در میان مردم متداول کرد اما پس از بازگشت از سفر ترکیه، به تقلید از «آتاتورک» دستور داد که کلاه پهلوی نیز ممنوع و منسوخ شود و اعلام کرد : «از این پس مردان باید «کلاه شاپو» بر سر بگذارند».[3]

در دی‌ماه سال ۱۳۰۷، قانون اجباری متحد الشکل کردن لباس در ایران، با قید دو فوریت، به تصویب مجلس هفتم رسید. براساس این قانون، همهٔ مردم ایران، اعم از شهری و روستایی و عشایر چادرنشین موظف به رعایت آن بودند. مجازات متخلفان، جزای نقدی یا زندان بود.[4]

---

۱. صدرالاشراف در خاطرات خود نوشته است که این طرح، توسّط تجدّدخواهانی چون تیمورتاش، داور و نصرت‌الدوله فیروز، به رضاشاه توصیه شد. (ن.ک. :صدر، *خاطرات صدرالاشراف*، ص ۲۹۱).

طرح تغییر کلاه و لباس، با شعارهای باستان‌گرایی و ملیت‌گرایی رضاشاه در تضاد بود و مردم را به اجبار، از لباس سنّتی خود باز می‌داشت. «پیتر آوری» ضمن بررسی این موضوع نوشته است : «پوشیدن لباس به شیوهٔ اروپایی که با مقررات اجباری، به شدّت اجرا می‌شد، باعث از میان رفتن سلیقهٔ خوب ایرانیان در پوشیدن لباس شد» (آوری، تاریخ معاصر ایران، ج ۲، ص ۷۱).

۲. برای اطلاع بیشتر ن.ک. : مطهّری، *نظام حقوق زن در اسلام*، صص ۲ و ۳؛ حداد عادل، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، ص ۷ به بعد.

۳. کلاه شاپو که به «کلاه لگنی» مشهور شد، اطراف آن تمام لبه‌دار بود.

۴. ن.ک : *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد*، صص ۱۰ـ۲۳.



رضا شاه هنگام ملاقات با آتاتورک در ترکیه

16- تغییر لباس توسط رضا شاه مقدمه ي اجراى چه حرکتی بود؟

کشف حجاب

16- تغییر لباس، مقدمه‌ای برای کاهش مقاومت و حسّاسیت جامعه نسبت به حجاب و در نهایت، برداشتنِ آن بود. ایرانیان از دیرباز مردمی نجیب و موقّر بودند. فرهنگ و تمدن مردم ایران باستان در مقایسه با سایر تمدن‌های هم عصر خود، از اصالت، عقلانیت، اخلاق و معنویت متعالی‌تری برخوردار بود. با نگاهی به حجّاری‌ها و نقش‌های برجستهٔ تخت جمشید، بیستون و دیگر آثار برجامانده از ایران باستان، این حقیقت به روشنی آشکار می‌شود که خلاف فرهنگ برهنگی رایج در تمدن یونان و روم باستان، زنان ایرانی، در روزگاران قدیم نیز حجاب و عفاف داشته‌اند.[1] به‌خصوص پس از پذیرش اسلام این سنت تقویت شد. پوشیدگی لباس زنان ایرانی جزو فرهنگ ملی و دینی آنان بوده است، لذا مبارزه با آن امری عقلانی نیست؛ به‌ویژه وقتی که با زور و تحقیر همراه باشد.

---

۱. در گزارش‌های مورخان یونانی و متون کهن پارسی آمده است که زنان پارسی دارای پوشش کامل (شبیه به چادر) امروزی بودند؛ از آراستن خود برای دیگران اجتناب می‌کردند. مردان پارسی نیز باز گذاشتن هریک از قسمت‌های بدن (مانند آستین دست) را خلاف ادب می‌شمردند. (ن.ک : ویل‌دورانت، همان، ج ۱، ص ۴۱۳؛ هرتسفلد، همان، ص ۱۴۱؛ تالبوت رایس، همان، ص ۴۵؛ شهشهانی، همان، ص ۴۰).

بیشتر بدانید

مخبرالسلطنه دربارهٔ حجاب نوشته است: «...چادر رسم ایرانیان بود و ریشه در فرهنگ گذشتهٔ ایران داشت ... در شاهنامه در سه جا ذکر «چادر» شده است و در گذشته، چادر حفاظ و فخر نجبا بود و ما که مدعی تجدید دورهٔ پهلوانی و باستانی هستیم، در تخت جمشید و یا نقش‌های بیستون، صورت زن، نیست».[1]



مخبرالسلطنه (مهدی قلی هدایت) به هنگام والیگری آذربایجان (باردوم)

17- مهم ترین مقاومت مردم و علماي ديني در برابر قانون کشف حجاب را بنویسید؟

مقابله با حجاب که به کشف حجاب معروف شد، به‌طور رسمی از روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ آغاز و با به‌کارگیری زور و خشونت، دنبال شد.

فرمان اجباری کشف حجاب، با مقاومت‌های مردم و عالمان دینی شهرهای مختلف ایران روبه‌رو شد. 17- در شهر مقدس مشهد، مردم به نشانهٔ اعتراض، در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند. به دستور مستقیم رضاشاه، مأموران، مسجد را به محاصره درآوردند و با پتک در مسجد را شکستند و وارد صحن شدند و با مسلسل‌های سنگین، از اطراف و بام‌های حرمِ مشرف به صحنِ مسجدِ گوهرشاد، آنها را به گلوله بستند و جمع کثیری را به شهادت رساندند.[2]

بخش دیگری از فعّالیت‌های بیدارگرانهٔ علما در زمان رضاشاه، مبارزه با گسترش کمونیسم در جامعه بود که در سال‌های پس از برکناری و تبعید او، تشدید شد.

18- حرکت هاي بیدارگرایانه علما در دوره رضاشاه در چه زمینه هایی بود؟

مقاومت در مقابل فرمان اجباری کشف حجاب - مبارزه با گسترش کمونیسم

---

۱. هدایت، همان، ص ۴۰۵.

۲. ن.ک. : هروی، *حدیقة الروبة*، صص ۲۲۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، و ۲۶۷؛ دوانی، *نهضت روحانیون ایران*، ج ۲، ص ۱۶۱؛ بهلول، *خاطرات سیاسی بهلول*، صص ۶۶ـ۸۳؛ واحد، *قیام گوهرشاد*، صص ۵۱ـ۶۷، ۱۲۸، ۲۱۱ـ۲۱۵، ۲۲۵ـ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۷ـ۲۳۹، ۲۶۲ـ۲۶۵؛ فردوست، همان، ج ۲، صص ۶۹ و ۷۰؛ *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد*، صص ۷۵ـ۸۰.

پرسش‌های نمونه

۱. رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت برای تظاهر به دینداری چه اعمالی انجام داد؟

۲. رضاشاه در دوران سلطنت خود برای محدود کردن دین و شخصیت‌های دینی چه اقداماتی انجام داد؟

۳. اقدام‌های ضد دینی رضاشاه ریشه در چه جریان فکری و فرهنگی داشت؟

۴. در دورهٔ سلطنت رضاشاه چه تغییراتی در لباس و کلاه مردم ایجاد شد؟

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد شیوهٔ برخورد مأموران حکومتی با زنان با حجاب در دورهٔ رضاشاه، مطلبی تهیه کنید.

۲. با استفاده از کتاب «*مسئلهٔ حجاب*» استاد مطهّری و تاریخ تمدن ویل دورانت، دربارهٔ ریشه‌های تاریخی اعتقاد مردم ایران به حجاب و حتّی وجود پوشش چادر و حجاب برای خانم‌ها در ایران باستان تحقیق کنید و مقاله‌ای بنویسید.

اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار







همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد

تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال